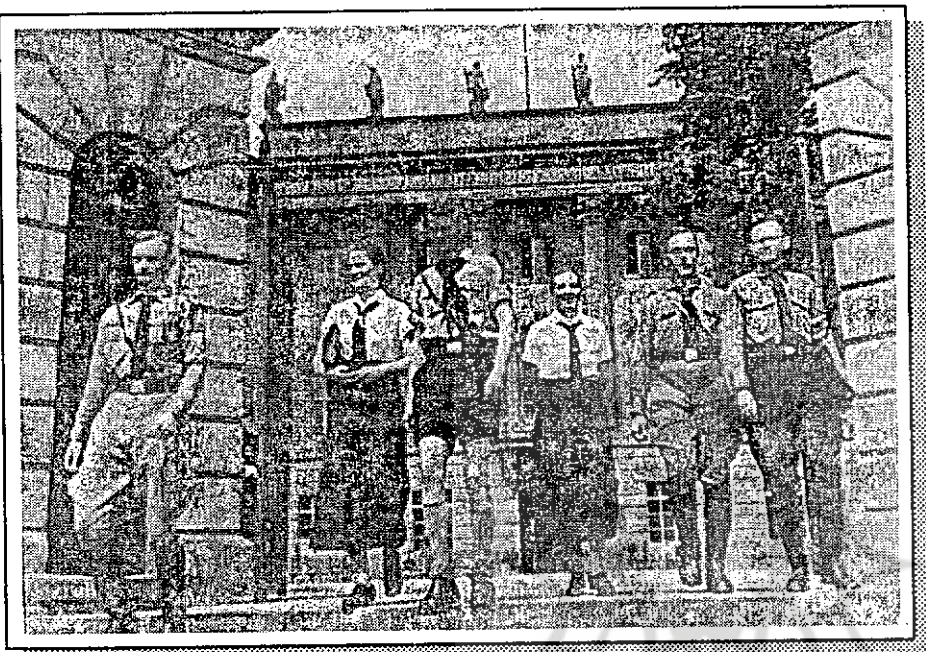


# تولد مجدد رایشتاک در برلین!



بخشی از ساختمان قبلی رایشتاک که در پایان جنگ جهانی دوم تخریب شده بود. گروهی از نازی‌ها در حال خروج از ساختمان دیده می‌شوند.

انتظارات به انتقال پایتخت به برلین وابسته شد تا شاید چنین حرکتی تغییراتی اساسی در آلمان ایجاد کند و زندگی را در شرق آلمان سروسامانی دهد.

## فراتر از سیاست و اقتصاد

در یک آمارگیری که در مجله اشپیگل به چاپ رسیده تنها ۱۳ درصد از آلمانیها معتقد هستند که انتقال پایتخت به برلین تغییراتی در سیاست‌های کشورشان ایجاد خواهد کرد و برلین همچنان عمیقاً شهری تقسیم شده (و این بار از نظر اجتماعی) باقی خواهد ماند.

اما به هر حال آلمان در آستانه تحولاتی قرار دارد. نسل جدیدی از سیاستمداران به قدرت رسیده‌اند که هیچگونه خاطره شخصی از جنگ جهانی دوم ندارند و به میراثی رسیده‌اند که آثاری از نازیسم هیتلری در آن نیست و کشورشان نقش غیر قابل چشم پوشی در

هم در خورد نمی‌بیند مسئولیت‌های تاریخی خود را به عهده می‌گیرد و همچنان چشم به افقهای روشن آینده دارد.

کلمات زیبایی است، اما آلمان در نگاهش به افقهای آینده چه چیزی را می‌بیند؟ مردمانی که در شرق آلمان زندگی می‌کنند، چون همسایگان شرقی آلمان نظیر لهستان که تنها صد کیلومتر با برلین فاصله دارد امیدوارند تغییر پایتخت کمی هم به معنی رسیدگی و سرو سامان دادن به اوضاع نابسامان شرق آلمان باشد. برنارد استفان یک کارگردان فیلم در برلین می‌گوید: «تا زمانی که پایتخت آلمان در بن بود همه توجه دولتمردان آلمانی معطوف به غرب بود، از آن روزهایی هم که آلمانیها بر روی دیوار از اعتبار افتاده برلین به شادمانی و پایکوبی پرداختند نیز سالها سپری شده است، خوشی‌های ناشی از وحدت دو آلمان چیزی کمتر از یکسال ادامه داشت و پس از آن همه

رایشتاک، پارلمان تاریخی آلمان بار دیگر بر ویرانه‌های بازسازی شده برلین، پایتخت رایش سوم گشایش یافته است.

ماتیاس دافنر سردبیر سی و شش ساله روزنامه معروف آلمانی «دی‌ولت»، تنها روزنامه آلمانی که تا این لحظه دفاتر کار خود را به برلین منتقل کرده است می‌گوید: «من شادترین مرد روی زمین هستم، در این لحظه، برلین بهترین جایی است که می‌توان در آن بود.» برلین امروز تقریباً چهار میلیون جمعیت دارد، جایی است که شرق و غرب را به یکدیگر پیوند می‌دهد. شهری بوده دو پاره که بار دیگر یکی شده است. دافنر دفتر مرکزی دی ولت را در طبقه شانزدهم ساختمان الکس اسپرنگر که پنجره‌هایش مشرف به قرارگاه‌های بازرسی شرق و غرب برلین در دوران جنگ سرد و دیوار برلین است و امروز دیگر وجود خارجی ندارند، مستقر کرده و می‌گوید گرچه جنگل جراثقال‌هایی که در بازسازی پایتخت جدید آلمان شرکت دارند زیبا نیست ولی مسحور کننده است.

هشت سال پس از آنکه پارلمان آلمان با اکثریت ناچیزی رأی به انتقال پایتخت از بن به برلین داد، رایشتاک نخستین اجلاس خود را در این شهر برگزار می‌کند. ساختمان پارلمان در همان محل رایشتاک که در سال ۱۹۳۳ به هیتلر اختیارات فوق العاده داد تا جمهوری وایمار را ملغی سازد قرار دارد و این همان رایشتاکی است که نفرات ارتش سرخ در مراحل نهایی جنگ بین‌المللی دوم پرچم سرخ اتحاد شوروری را بر بالای ویرانه‌های آن برافراشتند و به عمر رایش سوم پایان دادند و شهر برلین را به دو قسمت تقسیم کردند. امروز این شهر بار دیگر به عنوان مظهر جمهوری نوین آلمان از میان خرابه‌های جنگ سربر آورده و به گفته گرهارد شرودر صدراعظم آلمان: «به عنوان نمادی از اعتماد ملتی رشد کرده که دیگر احساسی از برتری نسبت به ملل دیگر ندارد و در ضمن حقارتی

سیاست و اقتصاد جهانی دارد، شرکت جنگنده‌های آلمانی در بمباران یوگسلاوی نشان داد که این نقش از سیاست و اقتصاد فراتر رفته و بار دیگر بن‌را به ماجرا جوئیهای نظامی کشانده است. جوانان آلمانی به امید آن که فصل دیگر تاریخ کشورشان در برلین ورق خواهد خورد راهی این شهر شده‌اند. کریستین بریل یک طراح ۲۴ ساله رایانه که از هامبورگ به برلین آمده می‌گوید: «تاریخ در این شهر در حال ساخته شدن است و من خود را بخشی از آن احساس می‌کنم.» و البته که تاریخ همواره مشکل بزرگ برلین بوده است.

برلینی‌ها احتمالا و عملا نمی‌خواهند یا نمی‌توانند زندگی در گذشته را فراموش کنند، و به یاد روز گذشته روز پس از آن، و روزهای پسین‌تر آن هستند. امروز در هر مرحله از زندگی یک برلینی گذشته آن چنان متظاهر است که برای فرار از آن راهی نیست. به عنوان مثال سیاستمداران سخت درگیر مجادله بر سر آن هستند که آیا باید نام قدیمی رایشناک را

حفظ کرد؟، کلمه «رایش» یک واژه جدید آلمانی نیست و باز بر سر این که چه نوع بنای یادبودی از اردوگاه‌های مرگ نازیها در رایشناک برپا شود مباحثات پایان ناپذیر ادامه دارد. شرودر مایل است اصولا چنین طرحی کنار گذاشته شود ولی مخالفانش او را متهم می‌کنند که احترامی را که سلفش هلموت کوهل برای قربانیان اردوگاه‌های مرگ قائل بود، قائل نیست. در حال حاضر پیشنهادهای متعددی در این زمینه به دولت شرودر ارائه شده است.

آلمان به نگرش به افقهای نوین آینده تمایل دارد ولی نه چون گذشته به قیمت ایجاد رعب و هراس در میان همسایگانش. در همه گفتگوها و تحرکات در زمینه احیای شهر برلین به عنوان پایتخت آلمان، آلمانها تلاش می‌کنند نشان دهند این احیا به معنی زنده کردن ناسیونالیسم آلمانی به شیوه‌های گذشته نیست. یکی از راههای اثبات صداقت آلمان در این زمینه درگیر کردن بیش از حد معمول خود در اروپای متحد است که پذیرفتن پول واحد اروپا

نقطه اوج آن بوده است. ولفگانگ کلمنت رهبر ایالت صنعتی نیرومند شمال راین - وستفالی با صراحت می‌گوید آلمان به زودی به صورت بخشی از «جمهوری بروکسل»<sup>(۱)</sup> در خواهد آمد. با اینحال تنش میان گذشته تاریک آلمان و آلمان جدید «اروپایی» در همه جا به چشم می‌خورد. سازندگان شهر جدید برلین با اشاره به برنامه طرحم بازسازی شهر که سالانه هیجده میلیارد دلار، را می‌بلعد می‌گویند هدف از هزینه کردن چنین ارقام هنگفتی به فراموش سپردن آثار کهنه شهر به عنوان نمادی از گذشته تیره آلمان است. فولکر هاسمر مدیر عامل آژانس بازاریابی برلین می‌گوید: «اگر می‌خواهید گذشته را ببینند به رم بروید ولی چنانچه مایلید آینده را ببینید به برلین بیائید.» سخن فریبنده‌ای است ولی همه توربستهایی که به برلین می‌آیند می‌خواهند محلی را که هیتلر در آن دست به خودکشی زد ببینند و از اینکه نمی‌توانند از دیوار برلین که از میان برداشته شده دیدن کنند ناراحت می‌شوند.



IRAN VENTILATOR

ایران هواسازان

نقطه عطف صنعت هواکش در کشور



خیابان انقلاب، ابتدای خیابان دکتر مفتاح، پاساژ جم

«نیک گای» یک سازمان دهنده انگلیسی تورهای برلین می‌گوید: «بیشتر کسانی که به عنوان توریست به برلین می‌آیند مایلند تاریخ پر تلاطم این شهر و آثار آن نظیر مانده‌هایی از رایش سوم و جنگ سرد را مشاهده کنند و کمتر به دنبال بازدید از آثار جدید ساخته شده در برلین هستند.»

مقامات شهر برلین نیز به همین اندازه در مورد آینده و انتظارات اقتصادی آن واقع‌بینی لازم را ندارند. کشاندن شرکت‌های بزرگ آلمانی از فرانکفورت، مونیخ، و هامبورگ به برلین اقدامی چندان آسان نیست. ابرهارد دیپکن شهردار برلین اخیراً ادعا کرده است برلین مسئولیت‌ها و اقدامات وسیع اقتصادی را برای آلمان و برای اروپا برعهده گرفته است. ولی واقعیت چیز دیگری است. در تلاش برای رویارویی با هزینه‌های هنگفت اتحاد دو آلمان، شهر برلین در زیر فشارهای مالی به تنگ آمده و از هم اکنون به مرزهای ناتوانی در تحمل این هزینه‌ها رسیده است. شهر برلین با ۳۳ میلیارد دلار بدهی و نرخ ۱۵ درصدی بیکاری از همه جای دیگر آلمان بیشتر تحت فشار است. سقوط صنایع محلی پس از اتحاد دو آلمان و برداشتن سوبسیدهایی که در طول ۴۰ سال جنگ سرد هر دو سوی برلین را سر پا نگاه داشته بود همه چیز را در هم ریخته است که عاجلاً باید چیزی را جایگزین آن کرد.

با این حال برلین به شدت در شور و هیجانی بی‌سابقه می‌جوشد و هیجانی که در اواسط سالهای ۹۰ در آن همه‌گیر شد به شهر باز می‌گردد. ماکس فاربر بوک یک کارگردان آلمانی می‌گوید: «در اوائل دهه ۹۰ تنها یک کلمه در آلمان بر سر زبانها بود؛ برلین، پس از مدتی جادوی برلین محو شد ولی امروز دوباره باز گشته است.» آنهایی که از دور ناظر بر تحركات بی‌امان سازندگی در برلین هستند با این نظریه موافقت گری اسمیت مدیر آکادمی علوم آمریکا در برلین می‌گوید: «برلین جدید به شدت پر تحرک و فعال است، پر تحرک‌تر از هر شهر دیگر اروپایی، برلین بزودی به یکی از مقتدرترین و سریع‌الرشدترین شهرهای جهان تبدیل خواهد شد.» این تحركات در زمینه هنر چشم‌گیرتر از سایر حوزه‌های فعالیت است. ذخایر هنری دو سوی برلین امروز با جمع

## شرکت

## جنگنده‌های

## آلمانی در بهاران

## یوکسلاوی نشان

## داد که نقش آلمان

## در جهان کنونی از

## سیاست و اقتصاد

## فراتر رفته است.

جمع کرده و این گالری را تبدیل به یکی از ارزشمندترین مراکز هنری مملو از آثار بزرگانی چون رامبراند، هالس و ورمیه کرده است. اعتبار علمی آن نیز در حال اعاده است. برلین که روزی بزرگانی چون آلبرت انیشتن و ماکس پلانک را به جامعه علوم جهان تقدیم کرده بار دیگر بازوهای علمی خود را بر پهنه علم می‌گستراند. مقامات آلمان از طریق تزریق امکانات مالی به شرق برلین موفق شده‌اند برجسته‌ترین مغزهای علمی برلین شرقی سابق را به انستیتوها و آکادمی‌های علمی شهر بکشانند.

مأخذ: نیوزویک ۱۹ - آوریل ۱۹۹۹

برگردان از بخش ترجمه «گزارش»

۱- بروکسل مرکز اداری و محل استقرار پارلمان اروپای متحد است.

**صد**

**اسید**

ورقهای سخت و نرم پیلسای جهت پوشش مخازن اسید

محصولی از شرکت صنایع ورق ایران

تلفن: ۸۸۲۷۷۵۶ - ۸۸۲۶۲۹۱ فاکس: ۸۸۲۷۷۵۷

شدن در یک مجموعه، کلکسیون بسیار غنی از مظاهر هنر را برای برلین ایجاد کرده است. هنرمندان و موزیسین‌های دو سوی شهر امروز اقدام به تأسیس چندین اپرا و گروه‌های مسوزیک کلاسیک کرده‌اند که خاطرات گذشته هنر در این شهر را در اذهان زنده می‌کند. برلین امروز دارای چهار سالن اپرا و پنج ارکستر موسیقی کلاسیک است که شهر را به بهشت موسیقیدانان تبدیل کرده است. تعداد موزه‌ها نیز در شهر کم نیست، گالری ملی جدید زیباترین و با ارزشترین آثار هنری را که در موزه‌های دو سوی برلین وجود داشت در خود